

با اردیبهشت در شیراز قدم بزن

ساناز قنبری



دبیر
چاردیواری

به عنوان یک علاقه مند به تاریخ، طبیعت و فرهنگ ایران بارها به شهرها، روستاها، کوه ها، دشت ها و نقاط مختلف این سرزمین سفر کرده ام اما هیچ شهری به اندازه شیراز در اردیبهشت من را مسحور و درگیر خودش نمی کند. شیراز در اردیبهشت، تجربه ای بیشتر از یک سفر است. درست مثل قدم زدن در دل شعر، رنگ و عطر. این شهر در دومین ماه بهار به اوج زیبایی

طبیعی، فرهنگی و تاریخی خود می رسد. وقتی که درختان بهار نارنج شکوفه زده اند، باغ ها سرسبز و پرگل اند و هوای معتدل کوهستانی، روح و جان را تازه می کند. آخرین بار، با ماشین از تهران راهی سفر شدم. راهی طولانی اما آرام و خاطره انگیز برای رسیدن به شیراز. در بامداد اردیبهشتی، وقتی وارد شیراز می شوی، نسیمی خنک و خوش عطر به پیشوازت می آید و خستگی راه را از تنت بیرون می کند. اولین مقصد من، باغ ارم بود؛ نگینی در قلب شیراز. باغی که با آن درختان بلند سرو، نارنج های گل پوش، آب نماهای پرخروش و عمارت زیبای قاجاری، نمادی از هنر باغ سازی

ایرانی است. باغ ارم نه فقط چشم نواز است، بلکه آرامشی عمیق در آن جاری است که فراموش نمی شود. از آنجا به حافظیه رفتیم. آرامگاه لسان الغیب، جایی است که روح شیراز در آن تنیده شده. گردشگران ایرانی و خارجی، دسته دسته به دیدار حافظ می آیند. بعضی برای خواندن غزل و بعضی تنها برای لحظه ای سکوت در برابر عظمت شعر. شب های اردیبهشت در حافظیه که قابل وصف نیستند، جادویی اند. نورپردازی ملایم، صدای دف و نی از گوشه ای دور و نوای غزلیات حافظ که در فضا پیچیده، حافظیه را به زیارتگاهی فرهنگی تبدیل می کند.

آنجا روی نیمکتی نشستیم و در حالی که نسیم اردیبهشت صورتم را نوازش می کرد تفالی به دیوان حافظ زدم که هیچ وقت ناامیدم نمی کند. اما در کنار حافظ، نباید از سعدی هم غافل شد. سعدیه در شرق شهر، میان باغی قدیمی، آرامگاه شیخ اجل را در دل دارد. سنگ مرمر آرامگاه، حوضی پرآب و روان و باغی سرسبز، همه با یکدیگر ترکیب شده اند تا مکانی برای تأمل، خواندن و آشتی با خود خلق کنند. زیر سایه درختانش، وقتی مصرعی از «گلستان» را بلند می خوانی، حس می کنی خود سعدی آرام و متفکر کنارت نشسته و نگاهت می کند.

در کوچه هایی با عطر بهار نارنج و تاریخ

سفر به شیراز، بدون بازدید از مجموعه زندیه، کامل نمی شود. ارگ کریم خان با دیوارهای قطور و برج های آجری اش، حس امنیت و سادگی را تداعی می کند. وارد بازار وکیل که می شوی صدای چکش مسگرها، عطر ادویه، رنگ پارچه های قلمکار و سرامیک های لعاب دار، شما را به دل تاریخ می برد و در حمام وکیل، معماری ایرانی با قوس های آجری، نورگیرهای هوشمندانه و حوض های سنگی جلوه گر است. مکانی که نه تنها برای نظافت، بلکه برای معاشرت و گفت و گو ساخته شده بود. یکی دیگر از شگفتی های شیراز، مسجد نصیرالملک یا همان مسجد صورتی معروف است. اگر خوش شانس باشی و صبح زود برسی، نور خورشید از پنجره های شیشه رنگی وارد شبستان می شود و برقالی های ایرانی، بازی رنگ خیره کننده ای می آفریند.

در سکوت آن فضا، جایی میان نقش ها و رنگ ها، شما می توانید به معنویت خالص برسید. در اردیبهشت، بازدید از باغ های دیگر شیراز را هم نباید از دست داد. باغ دلگشا با درختان بادام و انار، باغ جهان نما با فضای سنتی و بنای تاریخی اش و باغ عقیق آباد که هم باغ است و هم موزه اسلحه، همگی نمونه هایی از شکوه پیوند ایرانیان با طبیعت دارد. و بیرون از شهر، مقصدی مهم در انتظار است: تخت جمشید. شهری باستانی با ستون های عظیم، پلکان هایی باشکوه و تالارهایی که زمانی بزرگان ایران در آنها قدم می زدند. در اردیبهشت، گرمای هوا ملایم تر است و بازدید از این میراث هخامنشی، تجربه ای باشکوه و بی نظیر است. در نزدیکی اش هم، بنای نقش رستم قرار دارد؛ آرامگاه شاهان و سنگ نگاره هایی که جنگ ها و آیین های کهن را به تصویر کشیده اند.

در روز آخر سفر، تصمیم گرفتم به زیارت شاهچراغ بروم. آرامگاه احمد بن موسی کاظم (ع)، برادر امام رضا (ع)، این حرم، با آیین کاری های درخشان و فضای معنوی، جایی است برای تأمل و آرامش. مردم شیراز، با مهربانی و لبخند در این آرامگاه به استقبال زائران می آیند و حس معنوی در این نقطه از شهر، بیشتر از هر جای دیگری حس می شود. کلا شیراز در اردیبهشت، تجربه ای است که نمی توان آن را با کلمات محدود کرد. باید در آنجا و در میان مردمی که با لهجه گرم و دل نشین شان تو را از خودشان می دانند بود، در کوچه های قدم زد و در هوایش نفس کشید. در هوایی که بوی بهار نارنج می دهد و در کوچه هایی که نام شان یادآور شاعران و ادیبان است. اگر از من بپرسید که فقط یک شهر را برای سفر در اردیبهشت انتخاب کن، سریع می گویم: شیراز. شهری که در این ماه، نه فقط مقصد سفر که نقطه آغاز یک دل دادگی است.

چه غذایی بخوریم؟



اما شیراز فقط دیدنی نیست، چشیدنی هم هست. کلم پولوی شیرازی، ترکیبی است از برنج، سبزی های معطر، گوشت قلقلی و ادویه خاص؛ غذایی که در هیچ شهر دیگری مثل شیراز نمی چسبد. دویپازه آلو، قورمه به، آش سبزی، حلوائ کاسه و شیرازی پلو، همگی طعم هایی دارند فراموش نشدنی. در رستوران های سنتی این شهر، می توان انواع و اقسام غذاها را در فضای حیاط ایرانی و موسیقی زنده تجربه کنید.

چه سوغاتی بخریم؟



سوغات شیراز، هم در عطر می نشیند و هم در طعم. عرقیات سنتی مانند بهار نارنج، نسترن، بیدمشک و گلاب در کارگاه های محلی با روش های سنتی تهیه می شوند. صنایع دستی شامل خاتم کاری، قلم زنی، معرق، پارچه های قلمکار و چرم دوزی، از بازار وکیل یا کارگاه های محلی قابل تهیه هستند. خوراکی هایی مثل مسقطی، بادام سوخته، یوخه، نان فطیر و نان برنجی شیرازی، هم خوشمزه اند و هم به راحتی قابل حمل.

فهرست برخی جاذبه های مهم گردشگری شیراز

اماکن تاریخی

- موزه پارس
- سرای مشیر
- مدرسه خان
- موزه پرسپولیس
- خانه زینت الملک

اماکن زیارتی

- دروازه قرآن
- آرامگاه سیبویه
- مسجد جامع عتیق
- مقبره عبدالله خفیف
- امامزاده بی بی دختران



اماکن طبیعی

- باغ تخت
- باغ دلگشا
- باغ ایلخانی
- باغ نارنجستان
- دریاچه مهارلو

اماکن تفریحی

- لونا پارک
- پارک کوهپایه
- پارک آبی کوثر
- شهر بازی گاندو
- مجتمع خلیج فارس